عکس: علی محمدی/ ایران

«سازمان بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی» چیست و چه مأموریتی دارد؟

مرهم زخم کهنه انرژی

گزارش

حدیث حدادی، روزان نقشبندی
گروه اقتصادی

شاخص انرژی یک معیار برای مشخص کردن میزان بازدهی یا کارایی انرژی در سطح اقتصاد هر کشور است که نشان می‌دهد برای تولید مقدار مشخصی از خدمات یا کالا که برحسب واحد پول سنجیده می‌شود، چه میزان واحد انرژی مصرف می‌شود. ایران به شاخص شدت مصرف انرژی حدود ۰٫۳۳۲ رسیده است که در حدود ۲ درصد از کل انرژی مصرفی جهان ۰٫۱۱۱ است. از همین رو در جزء (۲) بند الف) ماده ۴۶ قانون برنامه پنجساله هفتم پیشرفت توسعه جمهوری اسلامی ایران اعلام شده: «دولت مکلف است به منظور ایجاد هماهنگی فرابخشی و مدیریت کلان و متمرکز در حوزه بهینه‌سازی مصرف انرژی، مدیریت بهینه نانرانژی انرژی در بخش‌های مختلف با رعایت ملاحظات کاهش شدت انرژی و پیگیری اجرای طرح‌های بهینه‌سازی انرژی در بخش‌های عرضه و مصرف انرژی و تعیین میزان و نحوه تخصیص کلیه یارانه‌های انرژی در هر بخش با اجرای کامل قانون هدفمند کردن یارانه‌ها، سازمان بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی» را زیر نظر رئیس‌جمهوری منوط به موافقت وی از تجمیع و ادغام ظرفیت‌های سازمان‌های موجود در ۳ شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت، سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی برق (سانبا) و ستاد مدیریت حمل‌ونقل حمل‌ونقل و سوخت تأسیس نماید و اساسنامه آن را ظرف سه ماه به تصویب هیأت وزیران برساند.»

بر همین اساس دولت اقدام به تشکیل سازمان بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی کرده که این سازمان علاوه بر کاهش شدت مصرف انرژی اقداماتی همچون طرح‌های بهینه‌سازی انرژی، بهینه‌سازی مصرف و عرضه انرژی، هدفمند کردن یارانه‌ها با میزان و کیفیات تخصیص یارانه را در دستور کار دارد. در واقع این سازمان یک نهاد فراوزارتخانه‌ای است که زیر نظر مستقیم ریاست جمهوری بوده و مدیریت متمرکزی دارد و با تجمیع و ادغام ظرفیت‌های سازمانی موجود در ۳ شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت، سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی برق (سانبا) و ستاد مدیریت حمل‌ونقل و سوخت شکل خواهد گرفت. «ایران» در گفت‌وگو با کارشناسان به بررسی جنبه‌های مختلف شکل‌گیری این سازمان پرداخته است. از جمله اینکه، آیا این سازمان بالاخره قادر است برای معضل بزرگ و بزرگ مزمن مانده یارانه‌ها در کشورمان، راه‌حلی پیدا کند؟ همین امروز که این نظرسنجی از کارشناسان را می‌خوانید بایدنخت و دیگر شهرهای کوچک و بزرگ کشور در انبانشی از دود و آلایندگی‌ها فرورفته، بحران خشکسالی و نبود بارندگی به کاهش ظرفیت سدهای کشور انجامیده و نانرانژی در بخش نگاه طبیعی یک چالش بزرگ برای تأمین کنندگان و مصرف‌کنندگان است. سازمان جدید قرار است چگونه با این چالش‌ها رفتار کند و آیا قضای سیاسی/اقتصادی کشور به این سازمان اجازه پیاده‌سازی برنامه‌های خود را خواهد داد؟

اولویت، جلوگیری از هدررفت سوخت است

علی شمس اردکانی
کارشناس انرژی

تشکیل سازمان بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی که بتواند مسئولیت‌های پراکنده و سال‌ها لوث شده در حوزه انرژی را سامان دهد، اقدامی ضروری و امیدبخش است. ایران امروز در معرض سنگین‌ترین جریمه‌ها به دلیل اتلاف بیهوده انرژی، قرار دارد. انتظار می‌رود این سازمان با پیگیری دولت بتواند موضوع عدم رعایت استانداردها را پیگیری کرده و آثار نانرانژی ناشی از تصمیمات نادرست گذشته را جبران کند و با هماهنگی با وزارتخانه‌های مرتبط، از تکرار چنین مشکلاتی جلوگیری شود. ما به‌عنوان متخصصان انرژی بارها تأکید کرده‌ایم که جلوگیری از هدررفت سوخت و ازبین‌رفتن سرمایه‌های ملی سرمایه‌هایی که از ثروت بین‌نسلی ملت ایران برداشت می‌شود باید در اولویت قرار گیرد. درحالی‌که برخی بر پایین ماندن قیمت بنزین اصرار دارند، نتیجه آن مصرف بی‌رویه، خاموش‌نکردن خودرو حتی در توقف و ایجاد زمینه گسترده برای قاچاق سوخت است. واقعیت این است که قاچاقچیان، سوخت را در افغانستان با حدود ۵۰ هزار تومان و در پاکستان با حدود ۶۰ هزار تومان می‌فروشند؛ یعنی تا ۴۰ برابر بیشتر از قیمت داخل. وقتی فردی بنزین را ۱۵۰۰ تومان خریداری می‌کند و با هزینه مشابه انتقال می‌دهد و سپس ده‌ها برابر می‌فروشد، طبیعی است که قاچاق رخ دهد. این اختلاف فاحش قیمت، درحالی‌که سطح درآمد در کشورهای همسایه حتی کمتر از ایران است، نشان می‌دهد که جلوگیری از این روند تنها با مدیریت، نظارت و سامانه‌دهی علمی و یکپارچه امکان‌پذیر است.

از همین رو، ضرورت شکل‌گیری سازمان مدیریت و بهره‌وری انرژی ایران بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. این اقدام می‌تواند نقطه عطفی در حفاظت از منابع ملی، کاهش هدررفت انرژی و حمایت از منافع ملت و دولت باشد.

اهمیت الگوی بهینه‌سازی انرژی در ساختاری یکپارچه

عباس نیکزاد
دبیر کمیسیون انرژی اتاق ایران

طبق ماده ۴۶ برنامه هفتم توسعه، در راستای اصلاح الگوی مصرف و قیمت حامل‌های انرژی و سوخت، بندهایی پیش‌بینی شده که بر اساس آن سازمان بهینه‌سازی و مدیریت مصرف انرژی ایجاد می‌شود. این سازمان نهایتاً ذیل معاونت ریاست‌جمهوری شکل گرفت. ماموریت آن نیز انجام فعالیت‌هایی در جهت تقویت بازار بهینه‌سازی مصرف انرژی، بازار بهینه‌سازی محیط‌زیست و مصرف عنوان شده است.

از سوی دیگر، قرار است ساختاری ایجاد شود که هم الگوهای بهینه‌سازی را محقق کند و هم اصلاح الگوی مصرف و قیمت را به‌عنوان پیش‌نیاز بهینه‌سازی دنبال کند. در مجموع این اقدام، در صورت اجرای صحیح، اتفاق خوبی است. اما آنچه اهمیت دارد اجرای صحیح قانون و ایجاد ساز و کارهایی است که انگیزه بهینه‌سازی ایجاد کنند تا افراد، شرکت‌ها و صنایع در ازای کاهش مصرف، منافع قابل کسب داشته باشند. از این منظر، این تحول قابل توجه و مثبت ارزیابی می‌شود.

به نظر می‌رسد در هر صورت باید به سمت اصلاح قیمت‌ها حرکت کنیم و این اصلاح زمانی امکان‌پذیر است که در قالب یک ساختار یکپارچه، قدرتمند و بالادستی اجرا شود، زیرا این موضوع صرفاً محدود و بخشی نیست بلکه موضوعی کلان و سیستمی است که همه دستگاه‌ها، وزارتخانه‌ها و بخش‌های مختلف جامعه را درگیر می‌کند؛ بنابراین لازم است این سازمان بتواند از سطحی بالادستی سیاست‌ها را اجرایی کند؛ سیاست‌هایی که قابلیت ایجاد تحول داشته باشند. اجرای برنامه‌های پیش‌بینی‌شده در این سازمان می‌تواند تحول بزرگی در بهینه‌سازی و تغییر الگوی مصرف ایجاد کند. بر اساس الگویی که قرار است در سازمان بهینه‌سازی و مدیریت مصرف انرژی به وجود بیاید، «افراد، جامعه و بخش‌های مختلف تا یک سطح مشخص با قیمت تعیین شده از منافع انرژی جاری بهره‌مند شوند و در صورت مصرف مازاد، نیاز خود را از بورس سبز یا بازار آزاد انرژی تأمین کنند. همچنین اگر بهینه‌سازی مصرف در بخش‌های خانوار، صنعتی یا تجاری انجام شود، منافع اقتصادی برای آنها ایجاد می‌شود و می‌تواند میزان کاهش مصرف خود را در بازار آزاد یا بورس سبز عرضه کنند. خریداران نیز کسانی خواهند بود که مصرف مازاد دارند.

این روند می‌تواند فرصتی مهم باشد، به‌ویژه در شرایطی که بحران نانرانژی و کمبود انرژی در کشور وجود دارد. در چنین وضعیتی چاره‌ای جز تغییر رویکرد و سیاست‌ها وجود ندارد؛ سیاست‌هایی که موجب تقویت بهینه‌سازی شوند. عبور از این بحران از دو مسیر ممکن است که یا افزایش تولید انرژی در بخش‌های گاز، برق و آب و یا تقویت بهینه‌سازی مصرف است که باتوجه به اینکه در بسیاری از حوزه‌ها با کمبود مواجه هستیم، باید همزمان با افزایش تولید، به‌طورجدی به سمت بهینه‌سازی حرکت کنیم؛ زیرا با وضعیت فعلی، بخش تولید به‌تنهایی نمی‌تواند پاسخگوی نیاز کشور باشد.

علی شمس اردکانی، کارشناس انرژی: ضرورت شکل‌گیری سازمان مدیریت و بهره‌وری انرژی ایران بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. این اقدام می‌تواند نقطه عطفی در حفاظت از منابع ملی، کاهش هدررفت انرژی و حمایت از منافع ملت و دولت باشد

ضرورت سیاست‌گذاری مستقل برای بهینه‌سازی انرژی

علیرضا شیرانی
کارشناس انرژی

یک مطالعه نشان‌دهنده آن است که تلفات در حامل‌های مختلف انرژی و شدت مصرف انرژی در ایران نسبت به کشورهای مشابه وضعیت مطلوبی ندارد. همین امر موجب شد توجه به بهروری و بهینه‌سازی انرژی در دستور کار قرار گیرد. در حالی که دستگاه‌های متولی همچون وزارت نیرو، وزارت نفت، سازمان بهینه‌سازی سوخت و وزارتها وجود داشته و قطعاً فعالیت‌هایی هم با توجه به وظایفشان داشتند؛ اما نتیجه‌ای که باید حاصل می‌شد به دست نیامد. به همین دلیل تصمیم برآن شد نهادی مستقل در سطح معاونت ریاست‌جمهوری ایجاد شود تا سیاست‌گذاری‌ها با به طور جدی پیگیری و وزارتخانه‌های مرتبط را به توجه بیشتر به این موضوع وادار کند. از نگاه کارشناسی، مزیت چنین سازمانی این است که پروژه‌ها از ابتدا بر اساس استانداردهای مصرف بهینه تعریف شوند. به عنوان نمونه، در حوزه خودرو و صنعت، به جای تولید محصولات پرمصرف و سپس اجرای طرح‌های اصلاحی، باید از ابتدا مسیر درست انتخاب شود تا هزینه‌های اصلاحی کاهش یابد.

به این حال، تجمیع وظایف سازمان‌ها می‌تواند منجر به تداخل مسئولیت‌ها شود. برای مثال اگر سیاستی برای کاهش مصرف گاز تدوین شود، منافع آن به شرکت ملی گاز اعطا می‌شود. در حالی که رشد جمعیت و صنایع، همچنان مصرف را افزایش می‌دهد. بنابراین کاهش یارانه‌های پنهان نیز به سادگی محقق نخواهد شد. بهینه‌سازی انرژی تنها زمانی می‌تواند به کاهش یارانه‌ها منجر شود که مصرف واقعی کاهش یابد. در غیر این صورت صرفاً جابه‌جایی وظایف میان سازمان‌ها بدون نتیجه عملی خواهد بود.

نقطه آغاز اصلاح مصرف

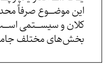

محمدامین زنگنه
دبیر انجمن انرژی‌های تجدیدپذیر ایران

بحث یارانه‌های پنهان در حوزه انرژی سال‌هاست که به یکی از چالش‌های اصلی اقتصاد ایران تبدیل شده است. این پرانرژی موجب شده که اغلب کارشناسان بارها تأکید کرده‌اند تا زمانی که این یارانه‌ها در زنجیره پخش می‌شوند، مصرف‌کنندگان بزرگ بیشترین منفعت را می‌برند و مصرف‌کننده‌های کوچک و نهایی سهم اندکی از آن را در اختیار دارند. بنابراین این نوع توزیع نه‌تنها ناعادلانه است بلکه بهروری را نیز افزایش نمی‌دهد. برای جلوگیری از این امر باید دولت یارانه را در اختیار مصرف‌کننده نهایی بگذارد.

تشکیل سازمان بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی فرصتی برای تجمیع سیاست‌ها و نگاه واحد به مسأله انرژی است. تاکنون وظایف مرتبط با بهروری میان وزارتخانه‌های نیرو، نفت، راه و شهرسازی و حتی سازمان‌های استاندارد و نظام مهندسی پراکنده بوده است. این پراکندگی موجب شده بسیاری از مشکلات، از ورود بخاری‌های بی‌کیفیت به بازار تا ضعف در عایق‌بندی ساختمان‌ها و... بدون راه‌حل باقی بمانند. تمرکز این ماموریت‌ها در یک سازمان بالادستی می‌تواند به هماهنگی بیشتر و تصمیم‌گیری مؤثرتر منجر شود. با این حال نباید فراموش کرد تهدید جدی نیز در این عرصه وجود دارد که یکی از آنها مقاومت وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های اجرایی در برابر واگذاری اختیارات است و دیگری مربوط به بوروکراسی اداری می‌شود که در پیش همواره مانعی بزرگ برای اصلاحات بوده و اگر وزارتخانه‌ها همراهی نکنند، سازمان جدید نیز به سرنوشت بسیاری از نهادهای مشابه دچار خواهد شد.

اصلاح مصرف انرژی، نیازمند نهادی فرادست و هماهنگ‌کننده

احسان حسینی
کارشناس انرژی

تشکیل «سازمان بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی» از این جهت اهمیت دارد که امروز در کشور هیچ نهاد مشخصی که متولی اصلی بهینه‌سازی مصرف انرژی باشد، وجود ندارد. در ساختار فعلی، تنها دو نهاد اصلی انرژی یعنی وزارت نفت و وزارت نیرو حضور دارند؛ هر دو تولیدکننده انرژی‌اند و طبیعتاً نمی‌توانند در حوزه مدیریت و کاهش مصرف نقش‌آفرینی مؤثری داشته باشند.

بهینه‌سازی مصرف، هم با بخش تولید مرتبط است که زیر نظر وزارت نفت و وزارت نیرو قرار دارد و هم با بخش مصرف که در اختیار مجموعه گسترده‌ای از دستگاه‌هاست: از شهرداری‌ها تا وزارت صمت، وزارت جهاد کشاورزی، وزارت راه و شهرسازی و چندین نهاد بزرگ دیگر؛ بنابراین نه وزارت نفت و نه وزارت نیرو نمی‌توانند به‌تنهایی این ماموریت را پیش ببرند. برای این کار باید نهادی در رأس قرار گیرد که بتواند بر همه این وزارتخانه‌ها اثرگذار باشد. به همین دلیل بهترین راه، ایجاد سازمانی مستقل با ریاستی در سطح معاون رئیس‌جمهور است تا شأن لازم برای هماهنگی بین وزرا و هدایت سیاست‌های ملی بهینه‌سازی را داشته باشد. ظرفیت ایران در حوزه بهینه‌سازی بسیار بالاست. اگر این سازمان تشکیل و پروژه‌های اصلاح مصرف با هماهنگی آغاز شود، کشور می‌تواند تا دو میلیون بشکه معادل نفت خام در روز صرفه‌جویی کند. امروز مجموع تولید نفت و گاز ایران حدود ۹ میلیون بشکه معادل نفت خام است؛ یعنی امکان صرفه‌جویی حدود ۲۵ درصد از تولید انرژی کشور وجود دارد. این رقم فراتر از کل صادرات سالانه نفت ایران است و می‌تواند تنها از محل کاهش تلفات مصرف، منبع درآمدی عظیم ایجاد کند. بااین حال عدم همراهی برخی دستگاه‌ها موجب شد این طرح نزدیک به یک سال عقب بیفتد، اما با ورود مستقیم رئیس‌جمهوری موضوع دوباره در مسیر اصلی خود قرار گرفت. نبود هماهنگی و فقدان مرجع تصمیم‌گیر واحد دقیقاً دلیل ضرورت ایجاد چنین سازمانی است؛ حتی در ساختار وزارت نفت نیز نهادی قدرتمند برای بهینه‌سازی مصرف سوخت وجود ندارد.

اتلاف انرژی سالانه حدود ۲۰ میلیارد دلار خسارت و عدم‌النفع به کشور وارد می‌کند؛ رقمی معادل یک سال بودجه دولت، ناشی از خاموشی‌ها، قطع گاز، مصرف بی‌رویه بنزین و گازوئیل. اگر در این اقدام شود، کشور به جایی خواهد رسید که ناچار به اعمال خاموشی‌های گسترده در تمام ماه‌های سال یا تحمل تورم سنگین ناشی از افزایش هزینه‌های انرژی خواهد شد؛ آن هم درحالی‌که ایران چهارمین تولیدکننده بزرگ نفت و گاز دنیاست.

آسیب‌شناسی حکمرانی انرژی با احیای اقتصاد بهینه‌سازی

عرفان افاضلی
دبیر اتاق فرادرسیون صنعت نفت ایران

ما به‌صورت ساختاری با نانرانژی تولید و مصرف در حوزه برق و گاز مواجه هستیم و این نانرانژی تا حدی به حوزه سیاست‌گذاری و حکمرانی در انرژی بازمی‌گردد. متأسفانه طی سال‌های گذشته نتوانستیم اقتصاد بهینه‌سازی را در حوزه انرژی به‌گونه‌ای طراحی کنیم که برای سرمایه‌گذاری جذاب و قابل‌اعتماد باشد و اساساً همین عامل علت شکست طرح‌های بهینه‌سازی و عدم موفقیت آنها بوده است.

براین‌اساس، قانونگذار با شناسایی چالش اصلی این حوزه و با نگاه کارشناسی، تصمیم گرفته است تا با تجمیع حوزه‌های مختلف تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز در حوزه بهینه‌سازی و رسیدگی به مشکلات در سطحی بالاتر، تحت معاونتی تشکیل شده و زیر نظر رئیس جمهوری، اقتصاد بهینه‌سازی را احیا کند و اعتماد سرمایه‌گذاران را برای سرمایه‌گذاری در این حوزه جلب کند. بااتوجه به جایگاه سازمانی بالاتر معاون رئیس‌جمهور نسبت به مدیرعامل، سازمان‌های موجود می‌توانند نسبت به صدور گواهی صرفه‌جویی و تضمین آن، با تحصیل درآمد از محل حساب بهینه‌سازی، اقدام کنند؛ بنابراین، یک معاونت تحت عنوان سازمان بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی، در برنامه هفتم ماده ۴۶ پیش‌بینی شده است و متناسب با آن، یک حساب تحت عنوان حساب بهینه‌سازی تشکیل می‌شود تا این سازمان بتواند گواهی‌های صرفه‌جویی را ضمانت کند. همچنین، تجمیع سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی برق (سانبا) که زیرمجموعه وزارت نیرو است و ستاد مدیریت سوخت و حمل‌ونقل ذیل نهاد ریاست‌جمهوری انجام خواهد شد.

براین‌اساس نگاه قانونگذار به این حوزه مبتنی بر آسیب‌شناسی حکمرانی و احیای اقتصاد بهینه‌سازی است؛ به‌گونه‌ای که با تضمین گواهی‌های صرفه‌جویی و تحصیل درآمد از محل حساب بهینه‌سازی، اقتصاد بهینه‌سازی احیا شود و از این طریق، با توسعه فرهنگ بهینه‌سازی، شاهد مدیریت مصرف و کاهش شیب رشد فزاینده مصرف در کشور باشیم و نانرانژی را مدیریت کنیم.

علیرضا کلاهی، عضو اتاق ایران: تشکیل سازمان راهبردی بهینه‌سازی انرژی با وجود اینکه دیرهنگام است اما می‌تواند نقطه آغاز اصلاحات باشد. این سازمان باید هماهنگ‌سازی سیاست‌های انرژی کشور در حوزه‌های فسیلی و برق را وظایف خود قرار دهد. در واقع این سیاست‌ها در نهایت منجر به کاهش مصرف و افزایش سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها پایدار خواهد شد

دغدغه واقعی در بهینه‌سازی مصرف انرژی

حسن کاظمی
عضو هیأت‌مدیره اتاق و صنایع وابسته ایران

تشکیل سازمان‌های جدید در حوزه انرژی اقدامی مثبت و امید بخش است که مسئولیت سنگینی بر دوش سازمان دولتی خواهد گذاشت. بنابراین فعالان این بخش باید با جدیت پای کار ایستاده و موانع و مشکلات را در زمینه بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی از میان بردارند. با وجود این مسأله اصلی تنها در سطح سازمان‌ها خلاصه نمی‌شود و بخش مهمی از اصلاح مصرف انرژی نیازمند کار فرهنگی و اجتماعی است.

در واقع باید روی مصرف‌کننده نهایی کار و فرهنگ استفاده درست از انرژی تقویت شود که برای این منظور دولت باید مشوق‌های مستقل و مؤثری برای تغییر رفتار مصرف‌کنندگان و مشترکان در نظر بگیرد؛ زیرا بدون این فرهنگ‌سازی، هیچ سازمانی حتی با بهترین ساختارنیز نمی‌تواند موفق شود. از سوی دیگر نباید فراموش کرد بهینه‌سازی مصرف انرژی تنها با تشکیل سازمان‌های جدید محقق نمی‌شود بلکه نیازمند دغدغه واقعی، فرهنگ‌سازی اجتماعی و ارائه مشوق‌های عملی است. اگر این سه محور در کنار هم قرار گیرند، می‌توان امیدوار بود که مسیر اصلاح مصرف و کاهش نانرانژی در کشور هموار شود.

چرا ایجاد سازمان واحد ضروری است؟

داوود مددی
رئیس هیأت مدیره انجمن انرژی‌های تجدیدپذیر ایران

بحران نانرانژی انرژی موجود در حال حاضر کشور ضرورت ایجاد نهادهای بالادستی را بیش از پیش آشکار کرده است. به طوری که تشکیل سازمان راهبردی بهینه‌سازی انرژی، اگرچه می‌تواند گامی مهم در مسیر اصلاح مصرف و سیاست‌گذاری باشد، اما پرسش اصلی این است که جایگاه انرژی‌های تجدیدپذیر در این ساختار چگونه تعریف خواهد شد؟

دستگاه‌ها و تجهیزاتی که در حال حاضر در کشور وجود دارد بر مصرف سوخت فسیلی و پرمصرف بودن دو جنبه دارد یکی فرهنگی و دیگری تجهیزاتی و فنی. خیلی از تجهیزات ما که در کارخانجات نصب شده‌اند به دلیل اینکه انرژی در کشور ما ارزان بوده پرمصرف هستند. زیرا تولید کنندگان و صاحبان صنایع ترجیح می‌دادند دستگاه‌های ارزان را که مصرف برق آنها بالا بوده خریداری کنند و تمایلی به خرید دستگاه‌های گران‌تر که مصرف برق آنها کمتر بوده را نداشتند. از همین رو اقداماتی باید صورت گیرد که مصرف برق را مطابق با استانداردهای جهانی و بین‌المللی کاهش دهد.

از سوی دیگر در کشور ما شدت مصرف انرژی نیز بالاست که مهم‌ترین عامل آن فرهنگی است. به طوری که در روز نیز اغلب ادارات، دستگاه‌ها، شرکت‌ها و مشاغل با وجود اینکه هوا روشن است و نور کافی وجود دارد چراغ‌ها را روشن می‌کنند. درحالی که باید این امر در مواقع برق انرژی مدیریت شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد در حال حاضر در جزء «۲» بند «الف» ماده ۴۶ پیش‌بینی شده و به دلیل ارتباط مستقیم با مدیریت اقتصادی انرژی، عملاً نهادن نهادی با اختیارات فراقوه‌ای و فرابخشی است.

در همین راستا، اجرای بازار بهینه‌سازی انرژی و محیط‌زیست نیز کاملاً منوط به تشکیل این سازمان است. صدور گواهی‌های صرفه‌جویی در زمان اوج و غیراوج مصرف، ایجاد سازوکارهای تسویه گواهی‌ها، استفاده از منابع «حساب بهینه‌سازی مصرف انرژی» و بازپرداخت سرمایه به سرمایه‌گذاران دولتی و غیردولتی، همگی در بندهای مختلف ماده ۴۶ برعهده این سازمان گذاشته شده‌اند. در واقع، این سازمان باید نقش تنها تنظیم‌گر بازار بهینه‌سازی انرژی را ایفا کند؛ بازاری که بدون حاکمیت یک نهاد تخصصی مستقل، توسعه نمی‌یابد و مشکلات فعلی آن از جمله تأخیر در صدور گواهی‌ها، عدم قطعیت در تسویه و محدودیت جذب سرمایه‌گذار تداوم خواهد یافت.

همچنین تدوین آیین‌نامه‌های کلیدی برنامه هفتم، شامل آیین‌نامه مربوط به ایجاد بازار بهینه‌سازی انرژی و محیط‌زیست و آیین‌نامه جریمه‌های ماده ۴۶ قانون اصلاح الگوی مصرف و هدررفت گاز مشعل، به همکاری با مسئولیت مستقیم این سازمان وابسته شده است.

از پراکندگی تا هماهنگی مدیریت انرژی

سعید نوری کرم
کارشناس انرژی

بر اساس موضوع جزء ۲ بند الف ماده ۴۶ قانون برنامه هفتم پیشرفت، ایجاد «سازمان بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی» زیر نظر رئیس جمهوری پیش‌بینی شده است؛ سازمانی که قرار است مدیریت یکپارچه انرژی در بخش‌های عرضه و مصرف انرژی را برعهده بگیرد و جایگاه بهروری انرژی را در نظام حکمرانی کشور ارتقا دهد.

در حوزه گاز طبیعی، نانرانژی در زمستان ۱۴۰۱ به حدود ۳۱۵ میلیون مترمکعب در روز رسید و علی‌رغم کاهش نسبی آن به حدود ۲۸۰ میلیون مترمکعب در زمستان ۱۴۰۲، چالش نرخ گاز در ماه‌های سرد همچنان پابرجاست. این کمبود علاوه بر هزینه‌های اقتصادی مستقیم، منجر به افزایش مصرف سوخت‌های آلاینده در نیروگاه‌ها و صنایع شده و پیامدهای محیط زیستی قابل توجهی ایجاد کرده است. در بخش برق نیز سایه نانرانژی همچنان محسوس است؛ به‌طوری‌که نانرانژی برق در سال ۱۴۰۲ حدود ۱۲.۴ هزار مگاوات و در سال ۱۴۰۳ بیش از ۱۷ هزار مگاوات گزارش شده است. نتیجه این وضعیت، بروز خاموشی‌های برنامه‌ریزی‌شده و اضطراری، اعمال محدودیت بر ساعات کاری ادارات و کاهش تولید در برخی صنایع بوده است. در حوزه بنزین نیز رشد سریع مصرف خودرو، افزایش واسنجی به واردات بیش از ۳ میلیارد دلاری در سال‌های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ شده است.

مجموعه‌هایی همچون شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت، سانبا و ستاد مدیریت حمل‌ونقل و سوخت، هرکدام بخشی از وظایف بهینه‌سازی را برعهده دارند؛ اما پراکندگی ماموریت‌ها، محدودیت اختیارات، نبود هماهنگی و فقدان یک نهاد فراابخشی باعث شده است که اقدامات این دستگاه‌ها تجمیع نشود و خروجی محسوس و متناسب با نیاز کشور حاصل نگردد. این وضعیت در شاخص‌های عملکردی نیز منعکس شده است. علی‌رغم تأکیدهای مکرر قانونی و سیاستی بر ضرورت بهینه‌سازی مصرف انرژی، عملکرد موجود فاصله قابل‌توجهی با ظرفیت بالقوه دارد. بر اساس محاسبات مندرج در برنامه هفتم پیشرفت، کشور قابلیت تحقق حدود هزار و ۲۸۵ هزار بشکه معادل نفت خام در روز صرفه‌جویی را دارد؛ ظرفیتی که بخش عمده آن از محل ارتقای بهروری در بخش‌های ساختمان، صنعت، حمل‌ونقل و نیروگاه‌ها قابل‌دستیابی است. با این حال، اجرای قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی طی سال‌های گذشته تنها منجر به حدود ۱۰۰ هزار بشکه معادل نفت خام در روز صرفه‌جویی واقعی شده است.

در حوزه سیاست‌گذاری نیز نبود یک مرکز صرفه‌جویی و یکپارچه‌سازی مدیریت تقاضا موجب شده است وزارتخانه‌ها و دستگاه‌ها اقدامات پراکنده و بعضاً متعارض انجام دهند. صرف انرژی در بخش‌های ساختمان، حمل‌ونقل، صنعت، کشاورزی و بخش عمومی پراکنده است، اما هیچ مجموعه‌ای مسئولیت یکپارچه مدیریت این تقاضا را برعهده ندارد. در چنین شرایطی، افزایش ظرفیت تولید عملاً به‌تنهایی پاسخگوی چالش نانرانژی نخواهد بود. ایجاد سازمان بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی پاسخی به همین خلأ سازمانی است.

فلسفه شکل‌گیری این سازمان آن است که مجموعه‌ای در سطح ملی با اختیارات فرابخشی، مسئولیت هماهنگی طرح‌های بهینه‌سازی در بخش‌های اصلی مصرف؛ یعنی صنعت، ساختمان، حمل و نقل، کشاورزی و خانگی را برعهده گیرد و محوریت برنامه‌ریزی در حوزه مدیریت تقاضا را از دستگاه‌های تولید محور به نهادی مستقل منتقل کند. این سازمان باید نقش اصلی خود را در ارتقای بهروری انرژی در سایر کارکردی کلان ایفا کند، بر حسن اجرای قوانین مرتبط با بهینه‌سازی نظارت داشته باشد و از طریق ایجاد بازار گواهی صرفه‌جویی و فعال‌سازی حساب‌های بهینه‌سازی، بستر ورود سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را فراهم سازد. به‌ویژه پاه‌دسازی و توسعه بازار گواهی‌های صرفه‌جویی انرژی می‌تواند همان سازوکاری باشد که در بسیاری از کشورها موجب افزایش بهروری انرژی شده است.

از سوی دیگر، این سازمان باید محور شناسایی از اجرای مؤثر برای کاهش نانرانژی انرژی در تمام حلقه‌های زنجیره تولید تا مصرف باشد و به‌موازات انجام مطالعات و پژوهش‌های تخصصی، آموزش و اطلاع‌رسانی به شهروندان و بخش‌های دولتی و خصوصی تقویت کند. هدف نهایی، ایجاد یک چرخه مستمر بهروری است؛ چرخه‌ای که در آن کاهش هدررفت انرژی، کاهش هزینه‌های اقتصادی و محیط زیستی و افزایش امنیت عرضه به‌صورت هم‌زمان محقق شود.

در قانون برنامه هفتم پیشرفت، بخش قابل‌توجهی از احکام مرتبط با مدیریت تقاضا و بهینه‌سازی انرژی بر پایه تأسیس سازمان بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی، طراحی شده است. در واقع معماری نهادی برنامه به‌گونه‌ای تنظیم شده که اجرای مؤثر این احکام بدون وجود چنین سازمانی با مشکل می‌شود یا اساساً امکان‌پذیر نیست. علت این وابستگی، ماهیت فرابخشی مسأله انرژی و ضرورت مدیریت یکپارچه در سمت تقاضاست؛ موضوعی که طی دهه‌های گذشته به دلیل پراکندگی اختیارات و نبود هماهنگی کلان، همواره به‌عنوان یک خلأ ساختاری مطرح بوده است.

در برنامه هفتم، وظایفی برای این سازمان پیش‌بینی شده که ایجاد هماهنگی فرابخشی و مدیریت متمرکز در حوزه بهینه‌سازی مصرف انرژی، یکی از مهم‌ترین ماموریت‌هایی است که در جزء «۲» بند «الف» ماده ۴۶ تصریح شده است.

موضوع مدیریت نانرانژی انرژی نیز در همین ماده از برنامه هفتم برعهده این سازمان گذاشته شده است؛ به این معنا که مدیریت علمی و هدفمند نانرانژی گاز، برق و فرآورده‌های نفتی باید با رعایت ملاحظات اصلاح الگوی مصرف انجام شود. این در حالی است که کشور در سال‌های اخیر با نانرانژی‌های قابل‌توجهی مواجه بوده است؛ از جمله، نانرانژی گاز طبیعی معادل ۳۱۵ میلیون مترمکعب در روز در زمستان ۱۴۰۱ و نانرانژی برق بیش از ۱۷ هزار مگاوات در سال ۱۴۰۳.

از سوی دیگر، پیگیری طرح‌های بهینه‌سازی در بخش‌های مختلف عرضه و مصرف نیز در همین ماده قانون به این سازمان واگذار شده است. از مهم‌ترین وظایف این سازمان در برنامه هفتم، تعیین میزان و نحوه تخصیص کلیه یارانه‌های انرژی در هر بخش با اجرای کامل قانون هدفمندکردن یارانه‌ها است؛ اقدامی که در جزء «۳» بند «الف» ماده ۴۶ پیش‌بینی شده و به دلیل ارتباط مستقیم با مدیریت اقتصادی انرژی، عملاً نهادن نهادی با اختیارات فراقوه‌ای و فرابخشی است.

در همین راستا، اجرای بازار بهینه‌سازی انرژی و محیط‌زیست نیز کاملاً منوط به تشکیل این سازمان است. صدور گواهی‌های صرفه‌جویی در زمان اوج و غیراوج مصرف، ایجاد سازوکارهای تسویه گواهی‌ها، استفاده از منابع «حساب بهینه‌سازی مصرف انرژی» و بازپرداخت سرمایه به سرمایه‌گذاران دولتی و غیردولتی، همگی در بندهای مختلف ماده ۴۶ برعهده این سازمان گذاشته شده‌اند. در واقع، این سازمان باید نقش نهاد تنظیم‌گر بازار بهینه‌سازی انرژی را ایفا کند؛ بازاری که بدون حاکمیت یک نهاد تخصصی مستقل، توسعه نمی‌یابد و مشکلات فعلی آن از جمله تأخیر در صدور گواهی‌ها، عدم قطعیت در تسویه و محدودیت جذب سرمایه‌گذار تداوم خواهد یافت.

همچنین تدوین آیین‌نامه‌های کلیدی برنامه هفتم، شامل آیین‌نامه مربوط به ایجاد بازار بهینه‌سازی انرژی و محیط‌زیست و آیین‌نامه جریمه‌های ماده ۴۶ قانون اصلاح الگوی مصرف و هدررفت گاز مشعل، به همکاری با مسئولیت مستقیم این سازمان وابسته شده است.

ساتبا حذف نمی‌شود

محسن طرزط